

مطالعه روند شکل‌گیری مسکن در تازه‌آبادهای عشایری نمونه موردی: تازه آباد گل افشان سمیرم - اصفهان

مهندس مهدی معینی*

عضو هیأت علمی گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۸۶/۵/۲۱، تاریخ پذیرش نهایی: ۸۶/۱۰/۱)

چکیده:

زیستن به شیوه کوچندگی و عشایری یکی از قدیمی‌ترین روش‌های زندگی بشری است که برای بهره‌برداری از منابع طبیعی و سازگاری با شرایط اقلیمی - جغرافیایی شکل گرفته است. در این شیوه زندگی، مسکن که یکی از مهم‌ترین ضروریات زندگی است به‌گونه‌ای بسیار و قابل حمل به همراه این مردمان در حرکت و جابجایی بوده. اما در مقاطع مختلفی به دلایل سیاسی، امنیتی، رفاهی، خدماتی و ... یکجا نشینی و اسکان این قبایل مورد نظر و اعمال قرار گرفته است. این اقدام مخالفان و موافقان خود را داشته است و دارد. اولین بار اسکان عشایر در ایران از سال ۱۳۱۰ در زمان رضاخان شروع شد و در دهه‌های اخیر با دیدگاه دیگری قوت و قوام یافت. این اقدام منجر به ایجاد تازه‌آبادهایی برای اسکان عشایر گردیده است. این مقاله به بررسی روند و چگونگی تبدیل مسکن عشایری به کالبدی با مصالح سنگین بر روی نمونه تازه آباد گل افشان سمیرم اصفهان پرداخته است. حاصل این مطالعه به مثابه الگویی تجربه شده می‌تواند دست‌مایه‌ای نظری برای معماران علاقه‌مند به فعالیت در این زمینه را نیز فراهم آورد.

واژه‌های کلیدی:

عشایر، اسکان عشایر، مسکن روستایی، مسکن عشایر.

۱- مقدمه

مسکن جای بگیرد؟ در روند این پژوهش، در بخش اول با هدف بدست آوردن درکی صحیح از چگونگی حیات این قشر جهت آشنایی با ویژگی های عشایر قبل از اسکان و پس از اسکان، مطالعه ای کتابخانه ای انجام شده است. این مطالعه، بررسی تاریخی اسکان دائم عشایر، بازتاب آن در زندگی آنها، واکنش آنان در قبال این تحول و همچنین نظرات کارشناسی درخصوص معایب و محاسن این پدیده را شامل می شود. در بخش دوم، در جهت بررسی نمونه مسکن دائم عشایر اسکان یافته و بازخوردهای آن، مطالعه ای میدانی انجام شده است. این مطالعه به نمونه موردی تازه آباد گل افشان تابع شهرستان سمیرم استان اصفهان می پردازد که اطلاعات به صورت رولوه، مصاحبه و مشاهده جمع آوری گردیده است. در بخش آخر و در جمع بندی با تأکید بر ویژگی های شناخته شده عشایر، و نیز بازتاب های مسکن در نمونه مذکور و بررسی و تطبیق آن با نیازهای استفاده کنندگان، پیشنهادهای جهت اقدامات آتی ارائه شده است.

پنج رکن ضروری حیات و ادامه بقا برای انسان به ترتیب اهمیت عبارت است از: هوا، آب، غذا، تأمین آسایش جسم و روان.

مسکن یا خانه، مکان و کالبدی است که تأمین کننده دو رکن آخر؛ آسایش جسم و روان است. شکل گیری مسکن تابع عوامل و شرایط فرهنگی، اقلیمی، اقتصادی - معیشتی و تکنیک ساخت جامعه استفاده کننده است.

مسکن عشایر کوچک رو که سیاه چادر یا آلاچیق است، قابلیت جمع کردن و دوباره برپا کردن و همچنین به همراه بردن را دارد، تابع تمامی شرایط فوق خصوصاً فرهنگ، معیشت، اقتصاد و تکنیک ساخت آن جامعه می باشد (تصاویر شماره ۱ و ۲).

اکنون که تصمیم برنامه ریزان و سیاستگذاران و بعضاً خواست خود این اقشار بر اسکان دائم در مسکن ثابت با مصالح سنگین همچون خانه های روستایی است، مسکن آنان باید واجد چه خصوصیتی باشد تا بتواند قالبی برای روش زندگی آنان که اکنون دست از کوچ کشیده و احتمالاً تغییر شغل و روش معیشت داده اند باشد؟ یا به تعبیری آن تفکر و روحیه چادرنشینی چگونه در کالبد



تصویر ۲ - آلاچیق، عشایر شاهسون، سبلان، آذربایجان شرقی.
مأخذ: (همان، ۲۳۱)



تصویر ۱ - سیاه چادر، عشایر بختیاری.
مأخذ: (فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب، شماره ۱۹، ۲۲۹)

بخش اول - مسأله اسکان عشایر

۱-۱- عشایر و اسکان

بهره برداری بی واسطه از مراتع و سایر منابع محیطی زندگی می کنند. امروزه در پهنه بسیار گسترده ای از آسیای مرکزی، خاورمیانه و نوار شمالی آفریقا تا منتهی الیه غرب آن قاره و عرصه های برخی دیگر از کشورهای درحال توسعه و توسعه یافته اشکالی از شیوه زندگی مبتنی بر کوچ قابل مشاهده می باشد" (اکبری، ۱۳۸۳، ۱).

" ایران با میانگین بارندگی سالانه کمتر از ۲۵۰ میلی متر (حدود یک سوم میانگین بارندگی دنیا) جزء مناطق خشک و نیمه خشک محسوب می شود. بررسی ها نشان می دهد که پایدارترین مدیریت زمین و بهره برداری از منابع یک چنین نواحی، زندگی شبانی و دامداری مبتنی بر کوچندگی است.

زندگی به شیوه عشایری همراه با کوچ یکی از قدیمی ترین روش های زندگی اجتماعی و شیوه های معیشت است که با پشت سر گذاشتن دوران فراز و فرودهای تاریخی تا به امروز ادامه پیدا کرده است. " همزیستی و تعامل با محیط زیست و کوشش مداوم، انطباق و سازگاری این شیوه ها زندگی با شرایط و مقتضیات اقلیمی - جغرافیایی هر منطقه باعث شده است که شکل زندگی و معیشت، نظام کوچ و استقرار و بهره برداری از منابع محیطی، در بین گروه های عشایری اشکال مختلفی به خود بگیرد.

برآورد شده است که حدوداً بین ۲۰۰ - ۱۵۰ میلیون نفر در دنیا، زندگی شبانی داشته و براساس نظام گله داری مبتنی بر کوچ و

- مشارکت عشایر در فعالیت اقتصادی ملی ناچیز است.
- عشایر نسبت به جماعات اسکان یافته، بهره وری کمتری دارند.
- تحقق عدالت اجتماعی و از بین بردن شکاف بین زندگی عشایری و شهری امکان پذیر نیست.
- عشایر برای بهره مندی از خدمات باید اسکان یابند.
- مزیت نسبی جمعیت محدودی بنام عشایر در برابر کل جامعه چیز مهمی نیست و بهتر است نادیده گرفته شوند" (اکبری، ۱۳۸۲، ۵).

- "ما برای معیشت شهری و روستایی با مسایل زیادی دست به گریبانیم و نمی توانیم قبل از اینکه مسایل اشتغال را در آن ابعاد رفع نماییم، مسأله ای جدید بیآفرینیم.
- ما در روستاهای پردرآمد هم نتوانسته ایم به تثبیت جمعیت روبه رشد بپردازیم. (حال عشایر را هم روستایی کنیم)!" (بخشنده نصرت، ۱۳۷۰، ۳۳ و ۳۴).
در مجموع با توجه به مطالب فوق می توان به چند نکته تأکید داشت:

- ۱- اسکان عشایر به هر حال استفاده از مراتع را منتفی خواهد کرد و این، بخشی از سرمایه ملی به گونه ای به هدر خواهد رفت.
- ۲- تغییر معیشت دامداری به کشاورزی، مشکلاتی را برای عشایر و کشور دربرخواهد داشت.
- ۳- چنانچه نظر به اسکان باشد، باید شیوه ای انتخاب شود که زور و اجباری در آن نباشد و عشایر داوطلب جهت اسکان هدایت شوند و ضمناً به شیوه اسکان و رمه گردانی هم، نظر داشته باشیم.
- ۴- بعضی صاحب نظران در بررسی نمونه تازه آبادهای عشایری مشکلاتی را طرح می نمایند و در نهایت نتیجه می گیرند، اسکان به این شکل نباید اتفاق بیافتد. بخشی از این مشکلات شامل واحد مسکونی می شود که در قسمت های بعدی بررسی خواهیم نمود.

۱-۲- اسکان عشایر و لزوم تحول در شیوه معیشت

در این بخش از پژوهش با پذیرفتن وجود پدیده ای به نام اسکان عشایر به عنوان امری اجتناب ناپذیر، به مسأله مربوط به این شیوه از زندگی پرداخته می شود که در تصمیم گیری های نهایی درباره چگونگی این اسکان مؤثر خواهد بود.
"در حوزه فعالیت اقتصادی سنتی در سراسر کشور می توان سه جامعه مشخص و متمایز از یکدیگر را مشاهده کرد، این سه جامعه عبارتند از: جامعه شهری، جامعه روستایی و جامعه عشایری" (صفی نژاد، ۱۳۶۸، ۳۱).

جامعه عشایری وقتی در مکانی اسکان داده شد به معنای این است که این جامعه باید به جامعه روستایی تبدیل شود تا بتواند به معیشت و حیات خود ادامه دهد و برای رسیدن به این هدف ضروری می نماید که این دو جامعه را با همدیگر مقایسه

به همین جهت زندگی عشایری با کوچ از بیلاق به قشلاق و بالعکس به عنوان نوعی الگو برای سازگاری با تغییرات اقلیمی و بهره برداری از منابع طبیعی از عوامل اصلی پیدایش و تکوین زندگی کوچندگی است که از قدمتی چندین هزارساله در این مرز و بوم برخوردار است" (اکبری، ۱۳۸۳، ۲) (تصویر شماره ۳).



تصویر ۳- کوچ ایل قشقای - جاده شیراز - فیروزآباد.
مأخذ: (بهارناز، ۱۳۸۲، ۶)

اما تفکر و سیاست اسکان عشایر در ایران از زمان حکومت رضاخان در سال ۱۳۱۰ شروع شد که این اقدام حدود ده سال بیشتر دوام نیاورد و دلیل عمده او برای اجرای سیاست اسکان بیشتر بحث حفظ قدرت حکومتی بود. زیرا در آن زمان "عشایر بخش مهمی از نیروهای رزمی و نظامی کشور را شکل می دادند و با ورود تجهیزات نظامی مدرن به ایران، نقش نیروهای نظامی عشایر کم رنگ شده بوده اما بیم حکومت از قدرت بالقوه عشایر باقی بود که برای رهایی از این نگرانی راه و چاره را در اسکان این قشر می یابد که در ادبیات آن روز (تخته قاپو) نام گرفته است. بنابراین تخته قاپو یک اقدام سیاسی بوده است نه یک اقدام اقتصادی برنامه ریزی شده و این تصمیم دولتی با توسل به زور بر عشایر تحمیل شد" (کیاوند، ۱۳۸۰، ۱۵۷). لذا با برداشته شدن این فشار، روستاهایی که بر مبنای چنین سیاستی شکل گرفته بود تخریب و کوچ دوباره شروع شد.

بعداز انقلاب در اسکان عشایر عموماً بحث قدرت و غیره در میان نیست، بلکه بیشتر اهداف اقتصادی، خدماتی و رفاهی یا به عبارتی عدالت محوری مبنای چنین سیاستی بوده است.
اما در زمینه چنین سیاستی موافقین یا مخالفین نظرات متفاوتی دارند. نگاهی به این نظرات می تواند در تصمیم گیری در مورد مسأله اسکان عشایر و چگونگی برخورد با آن مفید واقع گردد.

- "شیوه زیست عشایری یک روش کهنه است که دوران آن سپری شده است.
- کوچندگی ذاتاً نوعی عقب گرد، غیرضرور، مخرب و هرج و مرج زاست.
- تخریب مراتع غالباً ناشی از چرای زیاد دام های عشایری است.
- عشایر به لحاظ بهره برداری مشاع از مراتع نسبت به بقای آن توجه لازم را ندارند.

تا در آن احساس آرامش و آسایش جسمی و روانی داشته باشند. در بخش دوم این پژوهش برای نزدیک شدن به نحوه معیشت عشایر و بررسی یک نحوه برخورد بامسأله اسکان دائم عشایر، به مطالعه یک نمونه موردی پرداخته می شود.

بخش دوم - مطالعه نمونه موردی تازه آباد عشایری گل افشان

۱-۲- شکل گیری تازه آباد عشایری گل افشان

۱-۱-۲- موقعیت، جمعیت و خدمات

برپایه برنامه های دوم و سوم توسعه جمهوری اسلامی، اسکان داوطلبانه و هدایت شده عشایر مورد تصویب قرار گرفت که یکی از اهداف، در برنامه ریزی های توسعه عشایری، ساماندهی و اسکان عشایر بود برای این منظور مکانی برای اسکان عشایری که تمایل به اسکان در محل بیلاقی خود داشتند، در فاصله سی کیلومتری جنوب سمیرم، پنج کیلومتری غرب شهرحنا در شمال غربی آبگیر سد حنا انتخاب شد و برآن نام گل افشان را نهادند.

سیاستگذاران و کارشناسان سازمان امورعشایر با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، معیشتی و اقلیمی سایت تازه آباد را طراحی نمودند و سپس امکانات زیربنایی مانند جاده، آب، برق، مدرسه، جایگاه سوخت و خانه بهداشت را با اعتبارات دولتی فراهم نمودند و ساخت مسکن با نقشه های تهیه شده ی سازمان از طریق خود عشایر با استفاده از تسهیلات بانکی انجام گرفت. به طور خلاصه ویژگی های نمونه مورد بررسی از این قرار است.

"در این مکان یکصدوپنجاه خانوار با جمعیت ۸۳۲ نفر مستقر هستند. این جمعیت متعلق به ایل قشقای، طایفه شش بلوکی، تیره رحیمی و بنکوی مغانلو با گویش ترکی است.

مراعات قشلاقی آنها در استان بوشهر و به فاصله حدود ششصد کیلومتر از مراعات بیلاقی (گل افشان) قرار دارد. متوسط دام در سال ۱۳۷۶ برای هر خانوار هشتادوپنج واحد دامی بوده است. سازمان امور عشایر به هر خانوار ساکن در گل افشان چهارهکتار زمین اختصاص داده که این زمین ها توسط هشت حلقه چاه با ظرفیت دویست لیتر آب در ثانیه آبیاری می شوند (صالحی، ۱۳۸۳، ۱۸).

۲-۱-۲- بافت کانون گل افشان

بافت روستاهایی که در گذشته توسط عشایر یکجا نشین پدید آمده، تقریباً الهام گرفته از همان شیوه اتراق و برپایی سیاه چادرهاست و نظم آشکاری در آن دیده نمی شود. به گونه ای که عشایر هر "مال" به هنگام برپا کردن سیاه چادرهای خود فواصلی را به عنوان حریم آنها در نظر می گیرند تا در محدوده هر چادر بتوانند به راحتی در ارتباط با رمه و طبیعت پیرامون خود باشند.

نماییم تا تفاوت های اصلی شناسایی و برای تبدیل و تغییر به جامعه روستایی اقدامات لازم انجام پذیرد.

"در اینجا جامعه شهری مورد نظر ما نیست ولی می خواهیم وجه تمایز جامعه عشایری را از جامعه روستایی مشخص کنیم. معمولاً محور اقتصادی سنتی روستاها آب و زمین بوده و کلیه فعالیت های مستقیم و غیرمستقیم بدان وابسته است. در صورتی که این محور در زندگی عشایر، دام و مرتع است که این تفاوت اصلی بین دو جامعه عشایری و روستایی است و تفاوت های فرعی فراوان در هر دو جامعه مشاهده می شود که مهم ترین آنها به شرح جدول زیر است."

جدول شماره ۱- مقایسه اصلی و اساسی بین دو جامعه عشایری و روستایی.

ردیف	جامعه عشایری	جامعه روستایی
۱	نیاز اصلی؛ دام و مرتع	نیاز اصلی؛ آب و زمین
۲	فعالیت اصلی دامداری	فعالیت اصلی؛ کشاورزی
۳	زراعت جنب دامداری	دامداری جنب کشاورزی
۴	مازاد تولید عموماً دامی	مازاد تولید عموماً زراعی
۵	تنوع کشت؛ کم	تنوع کشت، زیاد
۶	فعالیت زراعی در دو منطقه	فعالیت زراعی در یک منطقه
۷	تکنیک کشاورزی نسبی ابتدایی	تکنیک کشاورزی نسبی پیشرفته
۸	تجربه در امور دامی	تجربه در امور زراعی
۹	بازده در هکتار کم	بازده در هکتار زیاد
۱۰	زمین های دیمی بیشتر	زمین های آبی بیشتر
۱۱	همکاری جمعی در امور دام	همکاری جمعی در امور زراعت
۱۲	منزلت اجتماعی در رابطه با دام	منزلت اجتماعی در رابطه با زمین
۱۳	تبعیت از طبیعت، زیاد	تبعیت از طبیعت، کم
۱۴	صنایع دستی با مهارت کمتر	صنایع دستی با مهارت بیشتر
۱۵	صنایع دستی؛ بیشتر خود مصرفی	صنایع دستی؛ بیشتر مبادله ای
۱۶	صنایع دستی کارگاه ندارد.	صنایع دستی بیشتر کارگاه دارد.
۱۷	روابط اجتماعی ساده تر	روابط اجتماعی پیچیده تر

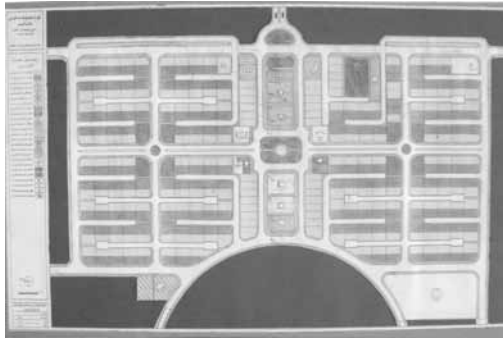
ماخذ: (صافی نژاد، ۱۳۶۸، ۳۳)

با توجه به تفاوت های فوق بین دو جامعه عشایری و روستایی ضرورت تحول در عشایر برای اسکان دایم به خوبی خودنمایی می کند.

عشایر باید درکنار دامداری به شیوه رمه گردانی بر زمین مناسب همراه با آب برای کشاورزی و باغداری تکیه زنند. همچنین برای بهره وری بهتر از زمین فن کشاورزی و کار روی زمین را به خوبی بیاموزند تا حدی که توان انواع کشت و نگهداری انواع درختان را کسب نمایند. توسعه صنایع دستی آنها باید به گونه ای باشد که علاوه بر رفع نیاز عرضه بخشی از تولیدات آنها به بازار سهمی از سبب درآمدی خانوار را تشکیل بدهد.

مهم ترین مسأله ای که به تصمیم گیری های معمارانه جهت اسکان عشایر منتهی می شود این است که مسکن عشایر اسکان یافته می بایست تابع شرایط اقلیمی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی خاص عشایر و به طور کلی و نیز شرایط جدید حاصل از تغییر شیوه زندگی و متناسب با نحوه معیشت جدید آنها باشد

معمولاً سه چهار ماه در سال این شرایط را داراست. گذرها عموماً موازی و پلاک‌های منظم با زاویه قائمه را تشکیل داده‌اند. ابعاد پلاک‌ها به گونه‌ای پیش‌بینی شده که هر خانوار علاوه بر زندگی بتواند دام خود را در کنار خود نگهداری نماید. و حتی هرپلاک به دو گذر دسترسی دارد یک گذر انسان رو و دیگری دام رو (تصویر شماره ۴).



تصویر ۴- سایت طراحی شده برای تازه‌آباد گل افشان.
منخذ: (سازمان امور عشایر استان اصفهان)

اما عشایر ساکن گل افشان در خصوص بافت روستای جدید خود از اینکه بعضی معابر به بن بست ختم می‌شود، شکایت دارند و معتقدند که معابر باید در یک امتداد و آسان باشد. به بیان شهرسازی، بافت خوانایی داشته باشد. مسیر دام و انسان که در روستا، جدا تعریف شده است، برای آنها چندان ضرورتی ندارد. زیرا اعتقاد دارند، دام فقط باید خارج از محدوده مسکونی نگهداری شود. دلایلی که برای این موضوع دارند اینگونه است که در زمان کوچ و چادرنشینی چندین ماه در یک مکان اتراق می‌کرده‌اند و فضولات دامی آنقدر روی هم انباشته نمی‌شد که ایجاد بوی بد کند و ضمناً اطراف چادر هم، فضای باز زیادی بود که کوران ایجاد می‌شد و فضولات دامی مزاحمتی برای زندگی نداشت هرچند که در دشت بکان شیراز علیرغم این که فضای دام خارج از بافت پیش‌بینی شده است، باز هم عشایر از آن هم رضایت نداشتند. بدیهی است که تا زمانی که عشایر، شیوه معیشت و دامداری خود را مطابق با جامعه روستایی تغییر ندهند، این مشکلات باقی خواهد بود، چون که در روستاهای ما دامداری در کنار کشاورزی و باغداری رواج داشته ولی مشکلات این گونه نبوده است. دلایل آن را می‌توان در تعداد محدود دام و نظایر آن برشمرد. که به این موضوع در مبحث شکل‌گیری مسکن بیشتر خواهیم پرداخت.

۲-۲- روند شکل‌گیری مسکن عشایر در گل افشان

۲-۲-۱- پیشینه

شکل‌گیری کالبدی مسکن ثابت عشایر، مسأله‌ای است که در روند اسکان عشایر کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در دو همایش ملی عشایر ایران، سال‌های ۱۳۶۹ و ۱۳۸۳ اشاراتی در حد رضایت یا عدم رضایت عشایر اسکان یافته از مسکن خود شده است. شاید به نظر کارشناسان این بخش، شکل‌گیری

گاه نیز با روی هم قرار دادن قطعات درشت سنگ تا ارتفاع نه چندان زیاد، حیطة اتراق گاه خود را به طرز مشخص‌تری از محیط فراگرد خود متمایز می‌سازند. زمانی نیز تنها در پناه سایه درختی قطور و پرشاخ و برگ جای می‌گیرند. وجود چنین سنتی در آن هنگام که مردمان یک مال بنا به دلایلی تصمیم به یکجانشینی گرفته‌اند تأثیر عمیق خود را در نحوه جایگیری و احداث بناها متجلی می‌سازد.

بافت خانه‌های این روستاها (اگر بتوان به آن مفهومی را که بر بافت مترتب می‌گردد، اطلاق نمود) بسان چند لکه پراکنده و به ندرت مجاور هم تداعی اتراقگاه خانوارهای یک "مال" را دارد" (حبیبی، ۱۳۶۸، ۳۵).

برای تشخیص چگونگی بافت کانون گل افشان، می‌توان به نمونه‌های مشابه دیگر نگاه کوتاه افکند و نحوه بافت کانون را در آن مورد توجه قرار داد.

الف) تگرگ آب: در استان چهارمحال و بختیاری نمونه‌ای از روستاهایی است که آن را عشایر یکجانشین بنا کرده‌اند، اهالی روستا متعلق به ایل قشقایی فارس هستند. پراکندگی بافت، کوچک بودن وسعت فضاهای مسکونی و انبارهای غلات، عدم وجود حیاط و محوطه باز محصور در سطح ده، همه حکایت از تأثیر سنن اتراق و اسکان عشایر کوچگر در سیمای روستا دارد. بافت دارای عبوری‌های بسیاری است که فاقد امتداد مسیر مشخص می‌باشد" (حبیبی، ۱۳۶۷، ۷۱).

روستاهای موجود، دارای سابقه تاریخی با معیشت اصلی کشاورزی و باغداری و معیشت فرعی دامداری، دارای بافتی پیوسته و معابری قابل تشخیص هستند، اما روستاهای عشایری با معیشت اصلی دامداری، به جهت حرکت دام در بافت و نگهداری دام در اطراف مسکن (همانند شیوه چادرنشینی) بافتی پراکنده و از هم گسسته دارد.

ب) گوریه: نگارنده در سال ۱۳۷۱ در منطقه خوزستان طرح هادی روستای گوریه را تهیه می‌نمود. قبل از سفر به روستا، نقشه آن مورد ملاحظه قرار گرفت. این نقشه توده‌های مسکونی بدون شکل را با فاصله‌های زیاد از هم نشان می‌داد و هیچ امتداد مسیری را نشانگر نبود. پس از سفر به روستا و مشخص نمودن ورودی خانه‌ها، با یک لایه ده متری این ورودی‌ها به هم متصل شد. گذرهای روستا به دست آمد و لکه‌های خالی در بین آنها باقی ماند که نه خانه بود و نه گذر. با بررسی محلی روشن شد که این لکه‌های خالی، محل نگهداری دام در شب است که در وسط آن یک چاه آب و چندین آب‌شخور دام بود.

سایت طراحی شده گل افشان نیز برپایه مرکزیت خدمات، جدایی دسترسی دام و انسان و شرایط اقلیمی شکل گرفته است. به جهت شرایط اقلیمی، گذرها عموماً شمالی - جنوبی است و سعی شده از گذرهای شرقی - غربی پرهیز شود. زیرا سمت جنوب گذرهای شرقی - غربی در مناطق سردسیر و برف گیر با اولین برف و یخبندان در زمستان پوشیده از برف و یخ می‌شود و تا زمانی که هوا به بالای صفر برسد، این وضعیت ادامه دارد که

بعضی مواقع در اطراف سیاه چادر، دیواری از قلوه سنگ‌های درشت به ارتفاع ۲۰ تا ۴۰ سانتیمتر خشکه چینی می‌کنند. در فصلی که بارندگی نباشد، پایه‌های چوبی در اطراف سیاه چادر نصب می‌شود (تصویر شماره ۵) و در نتیجه سقف سیاه چادر، تخت است. اما در زمانی که بارندگی است پایه‌های چوبی یک ردیف در وسط چادر قرار می‌گیرد و سقف سیاه چادر شیبدار به دوطرف شکل می‌گیرد (تصویر شماره ۶).



تصویر ۶- فرم سیاه چادر در زمستان.
مأخذ: (فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب، شماره ۱۹، ۲۳۰)

جهت‌گیری سیاه چادر با شرایط اقلیمی، تابش و وزش باد هماهنگ می‌باشد. جبهه دید و بازشوی اصلی سیاه چادر در طول آن است و پشت همین جبهه در یک نوار سرتاسری به عرض یک تا یک و نیم متر (بستگی به مقدار تجهیزات زندگی) به انبار رختخواب و ... اختصاص می‌یابد و در جلو، خارج از چادر اجاق مخصوص پخت و پز جای می‌گیرد و چنانچه بارندگی شد، اجاق در گوشه جلو، زیر چادر جای می‌گیرد. خانواده‌هایی که تجهیزات آشپزخانه بیشتری دارند در یکی از دو سمت جلو سیاه چادر، چادر دیگری از جنس برزنت برپا می‌کنند که لوازم آشپزخانه در آن جای می‌گیرد و در واقع چادر آشپزخانه است. مساحت مفید بزرگ‌ترین سیاه چادر با منظور نمودن مساحت چادر آشپزخانه هفتاد مترمربع و متوسط آن پنجاه مترمربع است.

می‌توان گفت در سیاه چادر زندگی سیال است و عملکردهای مختلف شب، روز، پذیرایی و غیره هم پوشانی دارد و رابطه نزدیک با بیرون، هوای آزاد و طبیعت برقرار است تنها بخش پخت و پز در مواقعی از چادر فاصله می‌گیرد و حمام، سرویس بهداشتی در این شیوه سکونت مکانی ندارد. تجهیزات سرمایشی و گرمایشی نیز وجود ندارد زیرا مسکن تابع شرایط مناسب آب و هوا برای زندگی جابجا می‌شود. وسایل مورد نیاز زندگی به گونه‌ای است که موقع کوچ قابل حمل باشند.

کالبدی مسکن اهمیت چندانی نداشته است. در مصاحبه‌ای که با پروفسور اهلرژ استاد گروه جغرافیای دانشگاه بن آلمان در حاشیه همایش سال ۸۳ انجام شد ایشان چنین اظهار کرده اند که " ... اولاً افرادی که در زمینه بهبود و اصلاح مراتع متخصص هستند و همچنین از کسانی که در مقولات دامداری و کشاورزی تخصص دارند، دعوت بعمل آید. ثانیاً معماران و شهرسازانی که با اسلوب‌های کاربرد مصالح ساختمانی و سبک‌های بومی تخصص دارند دعوت شوند ... " که جای گروه دوم در همایش‌های اسکان خالی بوده است.

سؤال مهم برای طراحان مسکن عشایر این است که فضای جانشین سیاه چادر چگونه فضایی است و قالب زندگی عشایر پس از یکجا نشینی چیست؟ زیرا عشایر آشنایی لازم با مواد مصالح ساختمانی موجود و بوم آورد منطقه را ندارند، تکنیک و فن ساخت و ساز در حد روستاهای دهقانی با سابقه را ندارند، و از طرفی اصولی برآمده از سنت سکونت یا به عبارت دیگر، وضع موجودی از مسکن ثابت عشایر مورد نظر در دست نیست که بتوان بر پایه آن طراحی نمود لذا برای رسیدن به دست‌مایه‌های طراحی لازم است روند شکل‌گیری و زندگی در سیاه چادر بررسی شود و همچنین نگاهی به معماری نزدیک‌ترین روستاهای باسابقه منطقه داشته باشیم.

بررسی‌های میدانی و اظهارات عشایر نشان می‌دهد که سیاه چادر توسط خود عشایر از موی بز، به روش دست‌بافت تهیه می‌شود، به گونه‌ای که تکه‌های با عرض یک متر و طول مورد نیاز می‌بافند و سپس به یکدیگر متصل می‌کنند و ابعاد چادر مناسب خانواده را شکل می‌دهند. با این شرایط عرض سیاه چادر ضریبی از یک متر، حداقل چهارمتر و حداکثر پنج متر می‌باشد و طول آن از شش تا دوازده متر متغیر است. سیاه چادر را بر پایه‌های چوبی به کمک طناب و میخ یا لاشه سنگ‌های بزرگ در ارتفاع مناسب (کمی بیشتر از بلندترین قد یک انسان) برپا می‌کنند (تصویر شماره ۵).

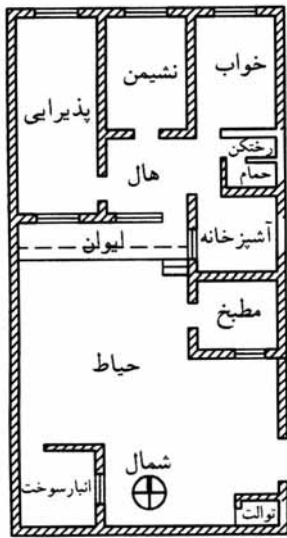


تصویر ۵- فرم سیاه چادر در تابستان.
مأخذ: (فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب، شماره ۱۹، ۲۳۲)

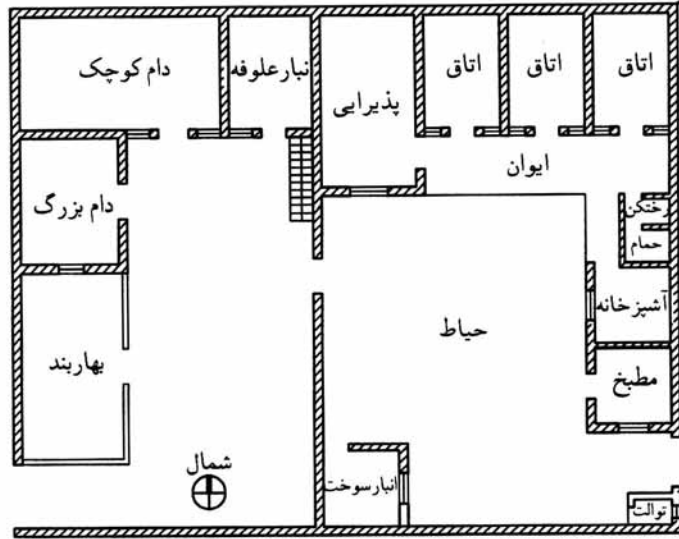
دسته دوم پلاک‌هایی است که فضای دام در آنها پیش‌بینی نشده است و ۱۵٪ از بافت را به خود اختصاص داده‌اند این خانوارها یا در بخش خدمات شاغل هستند یا تنها کشاورزی می‌کنند. برای این دسته سه تیپ پلان طراحی شده است که با کمی دقت، تفاوت دو تیپ از آنها، در بزرگی طول حیاط است و در واقع دو تیپ نقشه حاصل می‌شود و تفاوت این دو با هم در یک اتاق و شکل ایوان است، که با حذف یک اتاق و تقسیم آن بین ایوان و اتاق پذیرایی تیپ دیگری حاصل شده است. این پلاک‌ها از شمال و جنوب به‌گذر ارتباط دارند و به همین جهت طراح، دو لایه فضا پشت سرهم در شمال زمین قرار داده که لایه شمالی نور شمال و لایه جنوبی نور جنوب را دارد (تصاویر شماره ۹ و ۱۰).

۲-۲-۲- پلان‌های مسکونی طراحی شده برای عشایر گل‌افشان

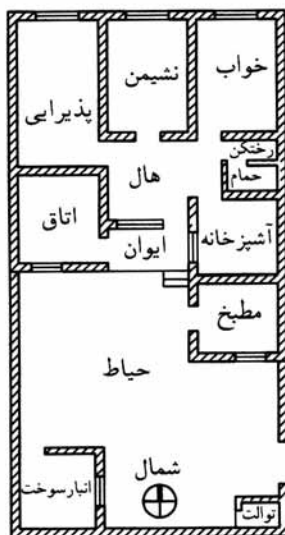
پلاک‌های تفکیکی در سایت به دو دسته تقسیم می‌شود: دسته اول پلاک‌هایی است که برپایه معیشت دامداری و کشاورزی طراحی شده و ۸۵٪ از بافت را به خود اختصاص داده است. برای این دسته، سه تیپ پلان طراحی شده که تفاوت دو تیپ با یکدیگر تنها در وجود یک انباری یا کارگاه است و تیپ دیگر هم از افزودن یک فضای دام در کنار پلان‌های بدون دامداری حاصل شده است. به جهت اینکه پلاک‌ها از شمال به پلاک همسایه محدود شده، یک لایه فضا در شمال زمین با ایوان سرتاسری در جلو و فضاهای خدماتی در شرق جای گرفته است (تصاویر شماره ۷ و ۸).



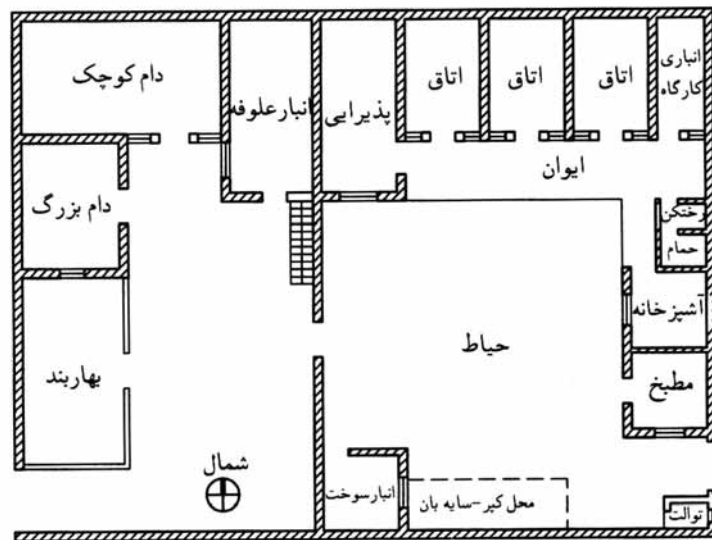
تصویر ۹- طرح پلان مسکونی بدون فضای دام.
ماخذ: (سازمان امور عشایر استان اصفهان)



تصویر ۷- طرح پلان مسکونی با فضای دام.
ماخذ: (سازمان امور عشایر استان اصفهان)



تصویر ۱۰- طرح پلان مسکونی بدون فضای دام.
ماخذ: (سازمان امور عشایر استان اصفهان)

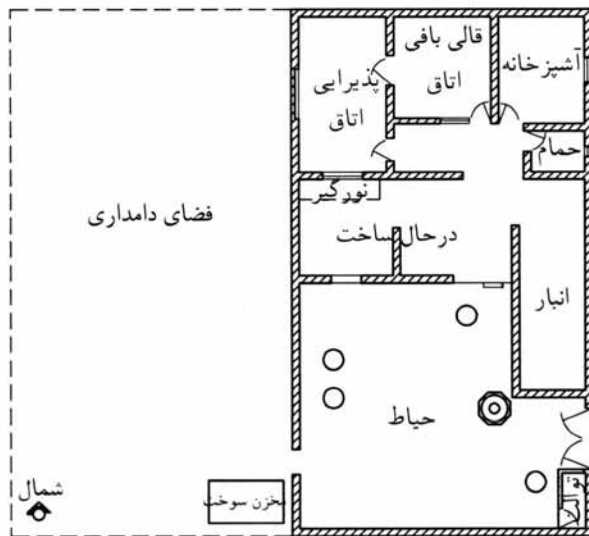


تصویر ۸- طرح پلان مسکونی با فضای دام.
ماخذ: (سازمان امور عشایر استان اصفهان)

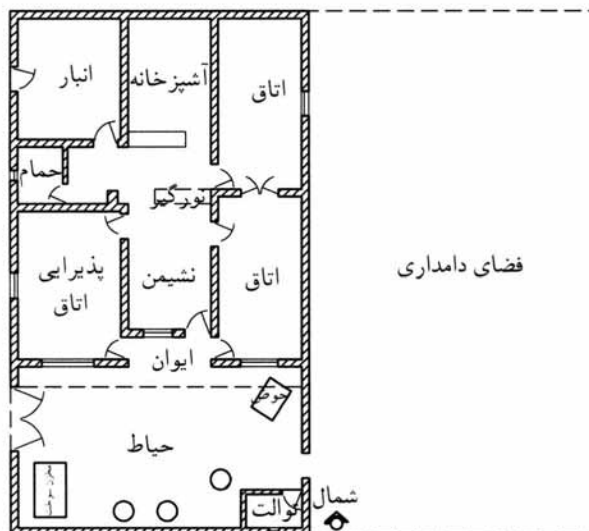
شامل سه اتاق، حمام و هال تقسیم بود اجرا شد و در گوشه حیاط توالت ساخته شد. این زیربنا ساخته شده طبق نقشه، فاقد آشپزخانه بود، بدین جهت اهالی یکی از اتاق‌ها را به آشپزخانه تبدیل نمودند و تقریباً نقشه طراحی شده باطل شد!

انبار سوخت در گوشه حیاط ساخته نشد و عموماً مخزن‌های فلزی ۲ و ۳ هزار لیتری نفت را در جلوی منزل یا کنار حیاط نزدیک در ورودی مستقر نمودند به گونه‌ای که ماشین حمل سوخت به آن دسترسی مناسب داشته باشد.

نقشه‌های با یک لایه فضا که از شمال با همسایه همجوار بود از طرف اهالی انتخاب نشد. و نقشه‌هایی اجرا شدند که دو لایه و دارای هال تقسیم بودند و وجود همسایه در شمال، لایه شمال، را با کمبود نور روبرو کرد بنابراین برای رفع کمبود نور به پاسیو و نورگیرهای سقفی روی آوردند (تصاویر شماره ۱۱ و ۱۲ و ۱۳).



تصویر ۱۱- پلان واحد مسکونی با فضای دام اجرا شده.
ماخذ: (یزدانی - خیرالهی - بشیری - اسفندیاری - بهار ۱۳۸۶)



تصویر ۱۲- پلان واحد مسکونی با فضای دام اجرا شده.
ماخذ: (یزدانی - خیرالهی - بشیری - اسفندیاری - بهار ۱۳۸۶)

این نکته قابل توجه است که کلیه واحدهای مسکونی در یک طبقه طراحی شده و فضاهای زندگی حدود سه پله از کف حیاط ارتفاع دارند. در یک گوشه حیاط انبار سوخت و در گوشه دیگر مستراح جای گرفته است. در هر واحد مسکونی یک آشپزخانه، یک مطبخ و حمام پیش بینی شده است، در تپ‌هایی که از جبهه شمال علاوه بر یکی از جبهه‌های دیگر به گذر ارتباط دارند فضاهای تقسیم طراحی شده اند که حمام و آشپزخانه به این فضا ارتباط دارد. در تپ‌هایی که از یک جبهه به گذر ارتباط دارند فضای آشپزخانه، مطبخ و حمام در جبهه شرقی یا غربی آن واقع شده است و توسط ایوان به اتاق‌های زندگی ارتباط دارند.

در زمینه طراحی فضای دام، در روستاهای دهقانی که دام در واحد مسکونی نگهداری می‌شود حوزه دام، شامل فضاهایی از قبیل طویله، بهار بند و انبار علوفه است که بسته به عوامل مختلفی، این فضاها شرایط خاص خود را دارد.

ولی دامداری به روش عشایری فضای خاصی ندارد و تنها بعضی اوقات نزدیک سیاه چادر با قله سنگ‌هایی حریمی را مشخص می‌کنند. با توجه به شرایط فوق‌طراح برای پلاک‌هایی که در کنار زندگی، دامداری هم دارند طرحی را تهیه نموده که به نظر می‌رسد نه شیوه دامداری روستاهای دهقانی است نه عشایری که در جای خود به آن خواهیم پرداخت.

۲-۳- چگونگی ساخت و ساز مسکن

در شروع ساخت و ساز، و شکل‌گیری اسکان، سازمان امور عشایر برای هر خانوار مقدار وام مشخصی را پیش‌بینی نمود که این میزان وام فقط کفاف حدود ۵۰ مترمربع ساختمان سازی آن هم در حد سفت کاری را می‌داد در حالی که متوسط زیربنای نقشه‌های تهیه شده ۱۵۰ مترمربع بود از این رو اکثر خانوارها علاوه بر مقدار وام، به ناچار خود سرمایه‌گذاری نمودند و به طور متوسط نزدیک ۷۰ مترمربع زیربنا برای هر خانوار ساختمان ساخته شد. البته اغلب واحدهای مسکونی بدون دیوار حیاط، کف‌سازی حیاط، نازک‌کاری زیرسقف و نماکاری بود.

مصالح مورد استفاده بدین صورت بود که برای ساخت پی، کرسی چینی و دیوار از آجر زبره و برای ساخت سقف از تیرچه و بلوک استفاده شد. کلاف بندی بتن آرمه در دو تراز کف و سقف و همچنین در فواصل ۲ تا ۴ متر بصورت عمودی اجرا شده است.

در و پنجره‌های بیرونی تماماً از فلز و درهای داخلی ساختمان از چوب یا فلز ساخته شده است. برای رعایت اصول فنی ساختمان‌سازی که در مرحله اول توسط پیمانکاران اجرا شد از طرف سازمان امور عشایر ناظر مقیم و ناظر عالی فعالیت داشت ولی پس از بهره‌برداری از شهرک توسط خانواده‌ها، دیگر عامل‌های نظارتی و کنترل کیفیت حذف شد و روستاییان برای ساختمان‌سازی به اختیار و انتخاب خود نقشه، مصالح و نیروهای فنی مجری را به کار می‌گیرند.

۲-۴- تغییرات در حین ساخت و پس از آن

همان‌طور که در قسمت چگونگی ساخت آورده شد متوسط سطح زیربنای نقشه‌های تهیه شده هر خانه حدود ۱۵۰ مترمربع و توان اقتصادی برای هر خانوار، ساخت حدود ۷۰ مترمربع بود. لذا مجبور به فازبندی نقشه‌ها شدند تا فاز اول ساخته شود و فاز دوم به بعد موکول گردد. بدین طریق قسمت شمال نقشه طراحی شده که

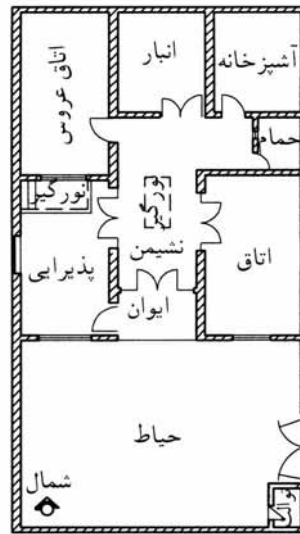
اهالی در مورد طرح و نقشه‌ها چنین اظهار می‌دارند که "با توجه به اختلاف ارتفاع سطح معابر با عرصه، می‌توانستیم به‌جای همسطح قراردادن ساخت با معابر، زیرزمینی احداث کنیم که هم، سطح زیربنای ما را افزایش می‌داد و هم، نیاز به خاکریزی نداشت، اما اداره عشایر، اجازه ساخت زیرزمین را به ما نداد. نقشه‌های تیپ نیز مورد انتقاد عشایر واقع شده است. آنها می‌گویند، مساحت زیربنا بسیار کم است و نور آن کافی نیست" (صالحی، ۱۳۸۳، ۲۰).

"از آنجا که یکی از اهداف اسکان عشایر توسعه صنایع دستی به ویژه قالیبافی بوده است، در کانون حنا (گل افشان) به دلیل کاهش تعداد دام و در نتیجه کاهش مواد اولیه، فقدان فضای کافی در منازل برای برپا کردن دار قالی و نیز بروود هوا در زمستان و عدم امکان برپا نمودن دار در بیرون از منزل، این هدف محقق نشده و تولید قالی و قالیچه با کاهش روبرو بوده است" (توکلی، ۱۳۸۳، ۴۶۱).

در بررسی نقشه‌ها و همچنین خانه‌های ساخته شده دیده می‌شود که اطاق‌ها هیچ کدام انباری، کمد یا جای رختخوابی ندارند و در بعضی خانه‌ها مانند سیاه چادر، توده‌های وسایل و رختخواب‌ها در یک جبهه از اطاق انبار شده است. و در بعضی دیگر، یک اطاق را با پرده به دو قسمت تقسیم و قسمت پشتی آن را به انبار وسایل و غیره اختصاص داده‌اند. در طراحی‌های انجام شده به تغییر معیشت عشایر از دامداری به کشاورزی و دامداری محدود، توجهی نشده است، به همین دلیل هیچ فضایی برای انبار محصولات و موارد مورد نیاز کشاورزی مانند کودشیمیایی، بذر و غیره پیش‌بینی نگردیده است.

عشایر هنوز طویله و انبار علوفه را در فضای دام‌کنار واحد مسکونی نساخته‌اند به جز چند مورد که آن‌ها هم خالی از دام است. سوالی پیش می‌آید، پس عشایر دام خود را چه کرده‌اند؟ تا این زمان عشایر گل افشان به شیوه رومه گردانی زندگی کرده‌اند، بدین صورت که خود ساکن شده‌اند ولی گله با چوپان به بیلاق و قشلاق می‌رود و چون گل افشان محل بیلاق است، در فصل تابستان گله‌ی گوسفندان را در بافت می‌بینیم که برای نگهداری آن نیاز به طویله و انبار علوفه ندارند و تنها شبها در محدوده فضای دام، کنار خانه که با دیوار آجری یا تور سیمی محصور شده، نگهداری می‌شوند.

عشایر گل افشان اکنون در خانه زندگی، و روی زمین کشاورزی کار می‌کنند. چوپان و یا یکی از افراد خانواده گله را به بیلاق و قشلاق می‌برد، البته دیگر فاصله ۶۰۰ کیلومتری بین این دو محل را پیاده طی نمی‌کنند بلکه با کامیون گله را حمل می‌کنند. این عشایر دیرپا زود شیوه زندگی به صورت روستاهای دهقانی و همچنین کشت و انبار کردن علوفه را، برای زمستان دام می‌آموزند و آن زمانی است که طویله، انبار علوفه و بهار بند در خانه عشایر گل افشان معنا می‌یابد.



تصویر ۱۳- پلان واحد مسکونی با فضای دام اجرا شده.
ماخذ: (مصطفایی - عرب - هشیار - فتحی - فدایی - بهار ۱۳۸۶)

هنوز در هیچ خانه‌ای مطبخ ساخته نشده و بعضی خانواده‌ها برای پخت نان از تنورهای گازی در آشپزخانه استفاده می‌کنند و بعضی دیگر در گوشه‌ای از حیاط به شیوه سنتی اجاق هیز می‌سازند. سه پایه و تاوه فلزی را برای پخت نان براه می‌اندازند. تغییرات فوق در مرحله حضور و کنترل ناظرین اتفاق افتاد و پس از آن هم تفاوت‌هایی در اجرا و نقشه‌ها دیده می‌شود که قابل بررسی است.

مصالح پی‌که از آجر زبره بود به سنگ لاشه تبدیل شد. زیرا آجر زبره از شهرضا با فاصله ۱۰۰ کیلومتری به محل حمل می‌شد، همچنین استفاده از آجر در کرسی چینی، ارتباط با رطوبت وجود ناخالصی‌های آهکی در آجر، باعث از هم پاشیدگی آجر می‌گردد.

کرسی آجری رطوبت را از زمین به دیوار انتقال می‌دهد و برای جلوگیری از آن یک لایه عایق رطوبتی در ارتفاع مناسب ضروری است. حال آنکه سنگ لاشه خودبخود این خصوصیت را دارد که رطوبت را انتقال نمی‌دهد، نیازی به عایق رطوبتی ندارد و همچنین در مواقعی که برف کنار دیوار می‌نشیند رطوبت را به خود جذب نمی‌کند در واقع سنگ از آره هم نیاز نیست و مهم‌تر از همه سنگ لاشه در منطقه به وفور یافت می‌شود.

کلاف بندی افقی و عمودی بتن آرمه که جهت مقاوم سازی ساختمان در برابر زلزله اجرا می‌شد بعد از حذف عوامل نظارتی به دلیل مشکلات اقتصادی و مالی حذف گردید. نازک کاری اطاق‌های زندگی قبلاً با یک قرنیز ۱۰ سانتیمتری در پایین و اندود گچ و خاک و سفیدکاری تا زیرسقف انجام می‌شد. جدیداً دیوار تا ارتفاع حدود یک متر با سنگ و یا سرامیک کار می‌شود و باقیمانده تا زیر سقف با گچ سفیدکاری می‌گردد.

نتیجه‌گیری

- مسکن باید تابع شرایط اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی، معیشتی عشایر و هماهنگ با شرایط جغرافیایی و اقلیمی منطقه باشد.
- عشایر در مراحل مختلف شکل‌گیری مسکن خود مانند، طراحی، انتخاب مصالح، اجرا و سرمایه‌گذاری باید مشارکت داشته باشند.
- دوری از طراحی پلان تیپ برای کلیه اهالی و سعی در جهت‌الگوسازی مسکن با مشارکت عشایر توصیه می‌شود.
- با توجه به روحیه عشایر می‌بایست از پیچیدگی در طراحی سایت و واحد مسکونی پرهیز شود.
- طراحی الگوی مسکن باید هماهنگ با الگوی مسکن روستاهای منطقه باشد.
- الگوی مسکن طراحی شده باید قابلیت تکمیل تدریجی و فازبندی را داشته باشد. به نحوی که فاز اول جوابگوی حداقل امور زندگی باشد.
- مصالح مورد استفاده در ساخت مسکن باید حتی الامکان ارزان، در دسترس و بوم‌آورد باشد.
- مسکن باید از دوام و استحکام لازم برخوردار باشد.
- تکنولوژی ساخت باید بومی، ساده و قابل آموزش به عشایر باشد.
- فضاهای دامی مانند طویله، بهاربند و انبار علوفه باید مانند روستاهای دهقانی احداث گردد.
- و در کل در این زمینه برنامه‌ریزی‌های لازم باید به نحوی انجام پذیرد که از تجربه‌های نمونه قبلی در خصوص تصمیم‌گیری‌های موارد بعدی استفاده گردد تا از مشکلات این تحول کاسته شود. به عبارتی هرگونه اقدامات جدید بدون مطالعه و بررسی نکات مثبت و منفی موارد اجرا شده مردود است. این امر خود مدیریت متمرکز با کارشناسان آشنا به مسائل فرهنگی، اقتصادی معیشتی و کالبدی سکونت عشایر و روستایی را می‌طلبد.

اگرچه، سیاست اسکان عشایر از طرف دولت‌ها با هدف حفظ قدرت حکومتی و نیز مسایلی چون حفظ محیط زیست، توسعه جوامع عشایری، خدمات رسانی آسان، رفاه بیشتر و عدالت محوری بوده است، اما در این مسیر نباید استفاده بهینه از مراتع کشور که بخشی از سرمایه ملی است به فراموشی سپرده شود، و برای نیل به این مهم در زمینه تغییر و تحول شیوه معیشتی عشایر علاوه بر آموزش‌های لازم مشاغل جدید خصوصاً کشاورزی، الگوی دامداری آنها باید ترکیبی از رمة گردانی و روش دامداری روستاهای دهقانی باشد.

تأمین مسکن، پس از معیشت و اشتغال، از ضروریات تداوم زندگی است. عشایر در ساخت مسکن خود (سیاه چادر)، خود اتکا خودکفا هستند و بدون کمک دیگران آن را می‌سازند و تاکنون با واژه‌های مهندس، طراح، سازه، ناظر، پیمانکار و مصالح ساختمانی ارتباطی نداشته‌اند با این‌همه، در روند سیاست اسکان دایم و پذیرش این تصمیم از طرف آنان، به‌رحال باید با این واژه‌ها آشنا شوند و آشنایی با واژه‌ها به معنی حذف سیاه چادر و جایگزینی مسکن با مصالح سنگین و زندگی به شیوه روستاهای دهقانی و شهری است. این روش زندگی نیز با توجه به شرایط فرهنگی، اقلیمی و غیره قالب و کالبد خاص خود را می‌طلبد در صورتی که عشایر کالبدی تعریف شده و مشخصی برای زندگی جدید خود در ذهن ندارند و تجربه این گونه زندگی را هم ندارند و برای رسیدن به مسکن مناسب چشم امید به برنامه‌ریزان و کارشناسان دارند و اینجاست که وظیفه طراحان و مهندسان تعریف می‌شود و آنها با تکیه به تجربه حرفه‌ای خود و مدنظر قراردادن و به‌کارگیری راهکارهای ارائه شده زیر کالبدی مناسب برای عشایر که هماهنگ با روش زندگی آنهاست طراحی و اجرا نمایند.

فهرست منابع:

- اکبری، علی (۱۳۸۳)، پیش‌گفتار، مجموعه مقالات همایش ملی ساماندهی جامعه عشایر ایران، جلد اول، صص ۸-۱.
- بخشنده نصرت، عباس (۱۳۷۰)، برنامه‌ریزی توسعه زندگی عشایر از دیدگاه فضایی، مجموعه مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر، صص ۴۴-۱۷.
- بهارناز، محمدرضا (۱۳۸۲)، کوچ، شرکت انتشارات سوده مهر، تهران.
- توکلی، جعفر (۱۳۸۲)، مروری بر نظریات و تجارب موجود در زمینه اسکان عشایر، مجموعه مقالات همایش ملی ساماندهی جامعه عشایر ایران، جلد اول، صص ۴۶-۴۳۷.
- حبیبی، سید محسن و پژوهشگران (۱۳۶۸)، گونه‌شناسی مسکن روستایی چهارمحال و بختیاری، دفتر پنجم، بافت، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، نشریه شماره ۹۹، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
- حبیبی، سید محسن و پژوهشگران (۱۳۶۷)، گونه‌شناسی مسکن روستایی کهگیلویه و بویراحمد، دفتر پنجم، بافت، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، نشریه شماره ۹۷، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
- صالحی، اصغر (۱۳۸۳)، ارزشیابی اثرات اقتصادی - اجتماعی طرح‌های ساماندهی عشایر در کانون‌های گل افشان و چشمه رحمان اصفهان، مجموعه مقالات همایش ملی ساماندهی جامعه عشایر ایران، جلد اول، صص ۴۴-۱۱.
- صفی‌نژاد، جواد (۱۳۶۸)، عشایر مرکزی ایران، سپهر، تهران.
- کیاوند، عزیز (۱۳۷۰)، تغییر به جای کوچ، تحول به جای اسکان، مجموعه مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر، صص ۱۶۸-۱۵۳.
- مصطفایی، عرب، هوشیار، فتحی و فدایی (۱۳۸۶)، پروژه روستا گل افشان به راهنمایی مهدی معینی، دانشگاه جامع علمی کاربردی واحد نجف‌آباد.
- یزدانی، خیرالهی، قائلی، بشیری و اسفندیاری (۱۳۸۶)، پروژه روستا گل افشان به راهنمایی مهدی معینی، دانشگاه جامع علمی کاربردی واحد نجف‌آباد.